

نیایش امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: رهبران یزدی، ماشاء الله

عنوان و شرح مسئولیت: نیایش امام حسین (ع) در روز عرفه [منبع الکترونیکی] /

ماشاء الله رهبران یزدی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۶)

بایگانی: ۴۶,۶ KB)

موضوع: دعا

روز عرفه

مناجات

حسین بن علی (ع)، امام سوم

مقدمه

از جمله دعاهاى حضرت سیدالشهدا (ع) دعای معروف عرفه است که بنابر آن چه مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح ذکر نموده، بشر و بشیر، پسران غالب اسدی نقل کرده اند که عصر روز عرفه در عرفات خدمت آن حضرت بوده اند. پس حضرت از خیمه بیرون آمد و با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تذلل و خشوع بر جانب چپ کوه ایستادند و روی خود را مقابل کعبه گردانیدند و دست ها را برابر رو، بالا گرفتند؛ مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند. قبل از دعای آن حضرت چند مسئله درس آموز، گنجانیده شده است که در ذیل به آن می پردازیم

زمان دعا

از روایات فراوانی که در دست است، این معنا تصدیق می‌شود که زمان‌ها در اجابت و قبول دعا تأثیر فراوانی دارند که بعضی روایات صراحتاً و بعضی به‌طور ضمنی به این معنا اذعان دارند، اما آن روایاتی که تصریح دارند بر مداخله زمان‌ها در تأثیر دعا: ۱ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ السَّاعَةِ الَّتِي يَسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؟ قَالَ: مَا بَيْنَ فَرَاغِ الْإِمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَى أَنْ تَسْوِيَ الصُّفُوفَ، وَ سَاعَةَ آخِرِ النَّهَارِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ، وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَدْعُو فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ». در این حدیث راوی از امام صادق (ع) از زمانی که در روز جمعه دعا مستجاب می‌شود، سؤال می‌کند و امام به دو زمان در روز جمعه اشاره می‌فرماید؛ اول، زمانی که خطیب و امام جمعه خطبه‌ها را تمام کرده و آماده برای اقامه نماز جمعه می‌شود، در آن چند لحظه، و دیگر ساعت آخر روز جمعه تا هنگام غروب خورشید که حضرت زهرا (س) هم در آن وقت دعا می‌فرمودند. و یکی از دعا‌های معروف یعنی دعای سمات هم که اکثر علمای سلف، بنابر قول محدث قمی بر آن مداومت داشته‌اند، در همین زمان است. ۲ - عَنْ أَبِي بصير عن أبي جعفر (ع): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَأْمُرَ مَلَكًا فَيُنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ: أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِآخِرَتِهِ وَ دُنْيَاهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَاجِيبْهُ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَتُوبُ إِلَيَّ مِنْ ذُنُوبِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَاتُوبْ إِلَيْهِ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ...؛ ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند خدای تبارک و تعالی در هر شب جمعه ملکی را امر می‌کند که به مردم از بالای عرش ندا دهد که آیا بنده مؤمنی هست که مرا بخواند برای کاری از امور دنیا و آخرتش تا قبل از طلوع فجر از گنااهش درگذرم». و در دنباله حدیث همین‌طور سوال‌ها می‌شود ولی با محدودیت زمان تا هنگام طلوع فجر. و اما بعضی روایات به‌طور ضمنی دلالت بر تأثیر دعا در زمان خاص دارند و آن روایاتی است که دعایی را برای وقت مخصوصی ذکر کرده‌اند: در عید قربان این دعا را بخوان، یا در شب جمعه دعای کمیل بخوانید، یا در شب‌های ماه رمضان دعای افتتاح بخوانید، یا در دهه آخر ماه رمضان می‌گویند، در شب بیستم این دعا را بخوان و شب بیست و یکم دعای دیگر الی آخر.

دعای دسته جمعی و گروهی

در این جا امام حسین (ع) با گروهی از اهل بیت و فرزندان خود دست به دعا برداشتند، در صورتی که مانعی نبود که خود آن حضرت به تنهایی سراغ دعا بروند. پس معلوم می شود در دعای دسته جمعی امیدی بیشتر برای استجاب است و روایاتی هم در این زمینه داریم که به دو روایت اشاره می شود. ۱- قال أبو عبدالله (ع): «ما من رهط أربعين رجلاً اجتمعوا فدعوا الله عز وجل في أمرٍ إلا استجاب الله لهم؛ امام صادق (ع) می فرماید: خداوند دعای چهل نفر را حتماً مستجاب می گرداند». ۲- عن أبي عبدالله (ع) قال: «كان أبي (ع) إذا حزنه أمرٌ جمع النساء و الصبيان ثم دعا وأمنوا؛ از امام صادق (ع) نقل شده است که پدرم هر گاه چیزی او را محزون می ساخت، زن و بچه ها را جمع می فرمود و سپس دعا می فرمود و آنان آمین می گفتند».

دعا با حال خشوع و تذلل

خداوند متعال می فرماید: (أدعوا ربكم تضرعاً و حفيه إنّه لا يحبّ المعتدين). در این آیه مبارکه، خداوند ما را امر فرموده که در حال تضرع و ترس خدای خود را بخوانیم و حضرت اباعبدالله در روز عرفه، با حالت خشوع با اهل بیت و شیعیان دست به دعا برداشتند و در حدیث از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «اغتموا الدعاء عند الرقة، فإنها رحمة؛ دعا را غنیمت شمیرید، در هنگامی که رقت قلب دارید که آن رقت رحمت است». یعنی در هنگام رقت قلب دعا بیشتر مستجاب می شود. و ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کرده که: «إذا برق أحدكم فليدع فإن القلب لا يرق حتى يخلص؛ هر گاه رقت قلب پیدا کردید پس دعا کنید چون قلب رقت پیدا نمی کند؛ مگر وقتی که خالص شود».

مکان دعا

اشاره

بی شک، مکان‌ها در اجابت دعا تأثیر فراوانی دارند که بهترین مکان‌ها برای دعا مساجد و بالاترین مساجد، مسجدالحرام و کنار کعبه و غیر از مساجد زیر گنبد حائر حسینی در کنار ضریح حضرت اباعبدالله و هم‌چنین صحرای عرفات که از مکان‌های مقدس است و دعا در آن به اجابت می‌رسد و پیامبران الهی در آن‌جا به استغاثه نزد پروردگار پرداختند. بنا بر آن‌چه از تفسیر البرهان نقل شده که حضرت آدم (ع) به راهنمایی و دستور جبرئیل (ع) در روز عرفه، وقوف در عرفات نمود و در هنگام عصر این کلمات را بر زبان جاری می‌ساخت: «سبحانک اللهم وبحمدک لا اله الا انت عملتُ سوء و ظلمت نفسي و اعترفت بذنبی اغفر لی انک انت الغفور الرحیم». و تا به هنگام غروب آفتاب هم‌چنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشک می‌ریخت. از جمله پیامبران که در عرفات وقوف داشت، حضرت ابراهیم (ع) بود که پیک وحی الهی، مناسک حج را به او آموخت و حضرت ابراهیم (ع) در برابر می‌فرمود: «عَرَفْتُ عَرَفْتُ؛ شناختم، شناختم.» و نیز دامنه کوه عرفات، در صدر اسلام کلاس صحرائی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) بود و بنا بر گفته مفسران، آخرین سوره قرآن در صحرای عرفات بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شد. دعای عرفه: در این دعا که در عصر روز عرفه تا هنگام غروب آفتاب، از حلقوم‌بهترین خلائق در بهترین زمان‌ها و مکان‌ها و در بهترین حالات خارج شد، مجموعه‌ای از معارف و حقایق و فشرده‌ای از ایمان و اقرار و گوشه‌ای از برشماری نعمت‌های الهی و قصور بندگان و درخواست‌ها و نیازهای بندگان و غنا و الطاف بی‌پایان الهی بود که بیشتر از پنجاه مطلب کلی در آن گنجانیده شده، بعلاوه شامل ده مرتبه حمد و سپاس الهی و هشت بار درود و صلوات بر پیامبر اکرم (ص) و ۳۲ مرتبه خطاب به «اللهم ویا الهی» و ۱۶ مرتبه «سبحانک» و ۱۵ مرتبه «لا اله الا انت» است. اما اهمّ عنوان‌هایی که می‌شود برای این دعا وضع نمود یا مسائلی که حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در این دعا بدان اشاره کرده‌اند و این دعا را امتیازی دیگر بخشیده، بدین قرار است:

اشاره به توحید و صفات باری تعالی

حضرت اباعبدالله (ع) دعای عرفه را با حمد خداوند بدین صورت شروع می‌کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصَنْعَةِ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ...؛ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که از قضای او برای کسی سرپیچی نیست و مانعی نیست که بتواند او را از عطا منع کند و صنعت هیچ صنعت‌گری به پای صنعت او نمی‌رسد و او بخشنده بی‌پایان است.» آن‌چه در این قسم باید بدان اشاره شود شروع دعای عرفه، با حمد و ثنای الهی است که اباعبدالله بدان اشاره کرده و امام صادق (ع) ثنای بر خدای متعال و مدح او و صلوات بر پیامبر اکرم (ص) را از آداب دعا برمی‌شمارد: قال ابو عبدالله (ع): «إِيَّاكُمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْئَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئاً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَتَّى يَبْدَأَ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمَدْحِ لَهُ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ يَسْئَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: بر شما باد هرگاه یکی از شما اراده دارد چیزی از حوائج دنیا یا آخرت را، به ثنا از خداوند ابتدا کند و حمد خدای متعال و صلوات بر پیامبر اکرم (ص) و سپس از خداوند حوائج خود را بخواهد.»

شهادت به ربوبیت و مراتب خلقت

«فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرَّبُوبِيَّةِ لَكَ مَقْرَأً بِأَنَّكَ رَبِّي وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي إِبْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكَوراً وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ؛... خدایی غیر او نیست و چیزی با خداوند معادل و مساوی نیست و مثل و مانندی ندارد و او شنوا و بیناست و لطیف و آگاه است و بر هر کاری قادر. خداوندا، من روی به تو آورده‌ام و شهادت به ربوبیت تو می‌دهم و اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی و این که

باز گشتم به سوی توست، مرا با نعمت آغاز کردی، قبل از آن که چیزی ذکر کردنی باشم و مرا از خاک خلق نمودی و سپس مرا در صلب‌ها قرار دادی و...»

هدایت از آن خداست

در این قسمت از دعا اشاره به الطاف الهی نسبت به خویش و هدایت الهی است که آن حضرت می‌فرماید: «وَلَطْفِكَ لِي وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رِسْلَكَ لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهَدْيِ الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ انْشَأْتَنِي؛ خدایا، لطف و احسان تو به من در دولت طاغوت و کفر، آن کسانی که نقض عهدبا تو کرده‌اند و تکذیب پیامبران نموده‌اند، آن که تو مرا به رأفت خود از آن دسته خارج ساخته‌ای و چشم مرا به سوی هدایت گشودی و راه هدایت را برایم آسان نمودی و مرا در هدایت پرورش دادی.»

شناخت خویش و مراتب رحم

«وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّتَ بِي بِجَمِيلِ صَنَعِكَ وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِّي يَمَنِي وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظِلْمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ لَمْ نَشْهَدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي؛ و قبل از هدایت مرا با صنع زیبایت مورد رأفت و نعمت‌های بی‌کرانت قرار دادی، پس آفرینش را از آبی جهنده پدید آوردی و مرا در ظلمت‌های سه‌گانه قرار دادی، میان گوشت و خون و پوست و مرا شاهد آفرینش خود نگردانیدی و هیچ‌یک از امورم را به خودم واگذار نکردی.»

اشاره به الطاف خداوند پس از تولد

«ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهَدْيِ إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا وَحَفَظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغَدَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمِ

و کلاتنی من طوارق الجنّ و سلّمتنی من الزیاده و النقصان فتعالیت یا رحیم یا رحمن؛ سپس مرا برای آنچه در پیش قرار داده‌ای، از هدایت به دنیا آوردی، در حالی که موجودی کامل و سالم مرا خلق نمودی و مرا در گهواره هنگامی که طفل کوچکی بودم، حفظ نمودی و مرا از شیر شیرین و گوارا تغذیه نمودی و دل‌های پرستاران را به من مهربان ساختی و با مادران رحم‌ها، مرا فروغ بخشیدی و از گزندهای آشکار و پنهان حفظ نمودی و مرا از زیادی و نقص خلقتم ایمن داشتی. پس بزرگی سزاوار توست ای خدای که نسبت به بندگان بخشنده و مهربان هستی».

اشاره به اکمال فطرت و اتمام نعمت

«حتّی اذا استهلّلتُ ناطقاً بالكلام اتممت علیّ سوابغ الانعام و ربّیتنی زائداً فی کلّ عام حتّی اذا اکملت فطرتی...؛ تا این که مرا سخن آموختی و نعمت‌های بی‌پایانت را بر من تمام کردی و سال به سال بر رشد و تربیتم افزودی و فطرت من را کامل ساختی...»

اشاره به الهام معرفت از طرف حق و اتمام حجت

«أَوْحَبْتَ عَلَیّ حِجَّتْكَ یَا أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ وَ أَيْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِي لَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ؛ می‌فرماید: حجت را بر من تمام کردی که معرفت خود را به من الهام فرمودی و عجایب حکمت را در ضمیرم انداختی و مرا بیدار و آگاه ساختی از اسرار آفرینش در آسمان و زمین از خلقت، و بیدارم کردی تا شکر تو گویم و یاد تو باشم.»

واجب کردن طاعت بر بنده

«و اوجبت علیّ طاعتك و عبادتك و فهمتني ما جاءت به رسلك؛ طاعت و عبادت خود را بر من واجب ساختی و آنچه پیامبران آوردند به من آموختی.»

اشاره به نعمت‌های ظاهری

«ثمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ آخِرِي وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صَنُوفِ الرِّيَاسِ بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْإِعْظَمِ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ؛ سپس چون مرا از بهترین خاک آفریدی، راضی نشدی که نعمتی را از من دریغ نمایی و مرا از انواع وسایل زندگی و از لذت‌های مختلف بهره‌مند ساختی، با لطف و احسان فراوان و مرحمت بی‌کرانت بر من و احسان همیشگی است».

واکنش خداوند به اعمال بنده

«فَإِنْ دَعَوْتَكَ أُجِبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتَكَ أُعْطِيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتَكَ شَكَرْتَنِي...؛ اگر به درگاهت دست به دعا برداشتم اجابتم کردی و اگر از تو چیزی خواستم عطا فرمودی و اگر تو را اطاعت کردم از من تقدیر کردی».

خدا را به بزرگی یاد کردن

«فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ عَبْدِي مَعِيدٍ حَمِيدٍ تَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ...؛ منزّه است خدا، منزّه است آن که آغاز گردد، برگرداننده ستوده است و بزرگوار نام‌هایت مقدس است».

شهادت به ایمان حقیقی

«وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي وَ عَقْدِ عَزْمَاتِ يَقِينِي وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَ...؛ خدایا، من به حقیقت ایمانم شهادت می‌دهم و هم‌چنین به تصمیمات متقن خود و به توحید صریح و خالصم و...»

بر شمردن نعمت‌های بدنی و لطایف آن

«وباطن مکنون ضمیری و علائق مجاری نور بصری و اساریر صفحه جینی و خرق مسارب نفسی و...؛ و به باطن نادیدنی نهادم و پیوست‌های جریان نور دیده‌ام و خطوط ترسیم شده بر پیشانیم و روزنه‌های تنفسم و...»

ناتوانی در بجا آوردن شکر نعمت

«ان لو حاولتُ واجتهدتُ مدى الاعصار والاحقاب لو عمرتُها ان أُؤدّی شکر واحدهً من أنعمک ما استطعت ذلك إلا بمنک الموجب علیّ به شکرک أبدأً جدیداً...؛ گواهی می‌دهم اگر در طول قرون و اعصار زنده بمانم و بکوشم تا شکر یکی از نعمت‌های تو را به جای آورم نتوانم مگر آن که بازهم توفیق از طرف تو به من رسد که آن خود مزید نعمت و مستوجب شکری دیگر است.»

استدلال به آیات الهی بر بیکران بودن نعمت‌ها

«انت المخبر فی کتابک الناطق والنبا الصادق: (وإن تعدّوا نعمه الله لا تحصوها) صدق کتابک اللهم و انبائك؛ در کتاب گویایت و خبر راست خود فرمودی: اگر بخواهید نعمت‌های الهی را برشمرد، نتوانید. من گواهی می‌دهم که کتاب و گزارشت راست است...»

شهادت به وحدانیت خدا با تمسک به آیات قرآن

«الحمد لله الذی لم یّخذ ولداً فیکون موروثاً ولم یکن له شریک فی مُلکه و... لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا و...؛ حمد و ستایش خدایی را که فرزندی ندارد تا میراث براو باشد و شریک ندارد در ملک و حکومتش... اگر در آسمان و زمین، خدایانی به جز خدای یگانه بودند، در زمین و آسمان فساد و نابودی پیش می‌آمد.»

در خواست‌های والای روحی

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي اخشاك كَأَنِّي أراك وأسعدني بتقواك و لا تشقني بمعصيتك و...؛ خدایا چنان کن که فقط از تو بیم داشته باشم، آن چنان که گویا تو را می بینم و مرا با تقوایت با سعادت کن و برای معصیت خودت مرا به شقاوت دچار مساز...»

حمد و سپاس به جهت تربیت‌های خدایی

«اللَّهُمَّ لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سمياً بصيراً ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني خلقاً سوياً رحمةً بي وقد كنت عن خلقي غنياً...؛ خدایا حمد مخصوص توست، آن چنان که مرا آفریدی، پس قرار دادی مرا شنوا و بینا، و حمد مخصوص توست که مرا آفریدی و خلقم را نیکو بیاراستی برای لطفی که به من داشتی، در حالی که از خلقت من بی نیاز بودی.»

احتیاجات و درخواست‌های تربیتی از خدا

«واعنى على بوائق الدهور و صروف اللیالی و الايام و نجنی من احوال الدنيا و کربات الاخرة...؛ خدایا مرا بر مشکلات روزگار و کشمکش شب‌ها و روزها یاری فرما و مرا از مشکلات این جهان و سختی‌های آن جهان نجات بده.»

شکایت‌ها

«الهی الی من تکلنی؟ الی قریب فیقطعنی ام الی بعید فیتهمنی ام الی...؛ خدایا! مرا به که وامی گذاری؟ آیا به خویشاوندان که پیوند خویشاوندی را خواهند گسست؟ یا به بیگانه که بر من برآشفتند؟»

درخواست راحتی هنگام مرگ

«فاسئلك يا ربُّ بنور وجهك الذي اشرفت له الارض والسَّموات و كشفت به الظلمات و صلحَ به امر الاولين والآخرين ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي سخطك...؛ از تو درخواست می‌کنم به نورت که با آن آسمان و زمین را روشن ساختی و پرده از تاریکی‌ها برداشتی و با آن کار اولین و آخرین را اصلاح می‌گرداند که مرا به حال خشم و غضبت و نمیرانی و غضب خود را بر من فرود می‌آورد.»

خدای را به اسامی مختلف خواندن

«لا إله إلا أنت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي احلته البركة وجعلته للناس أمناً يا من عفا عن عظيم الذنوب بحلمه يا من اسبع النعماء بفضله...؛ نیست خدایی به جز تو پروردگار شهر حرام (مکه) و مشعر الحرام خانه‌ای که آن را با برکت قرار دادی، و آن را برای خلائق امن قرار دادی ای کسی که می‌بخشد از بسیاری از گناهان به حلمش. ای کسی که نعمت‌هایت را با فضل خویش انعام می‌فرمایی.»

اشاره به روز قیامت و منزل قبر

«يا عُدَّتِي في شدَّتِي يا صاحبي في وحدتِي يا غياثِي في كربتِي يا وليي في نعمتِي؛ ای پشتوانه روز سختی‌ام، ای مونس تنهایی‌ام، ای فریادرس سختی‌هایم، ای ولی نعمت من.»

اقرار به خدا و پیامبران و کتب آنان و ملائکه مقربان

«يا إلهي واله آبائي ابراهيم واسماعيل واسحق و يعقوب و رب جبرئيل وميكائيل واسرافيل و رب محمد خاتم النبيين واله المنتجبين منزل التوراة والإنجيل و الزبور و الفرقان...؛ ای خدای من و ای خدای پدران من ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و ای خدای جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای محمد(ص) خاتم پیامبران و فرزندان برگزیده‌اش، ای فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن.»

تو پناهگاه منی

«انت كهفی حین تعینی المذاهب فی سعتها وتضیق بی الارضُ برحبها...؛ تو پناهگاه منی وقتی كه راهها بر من با همه وسعت صعب و دشوار شوند و وسعت زمین بر من تنگ شود.»

اشاره به رفعت شأن خدا

«یا من خصَّ نفسه بالسُّموِّ والرفعة فاولیائه بعزّه یعتزّونَ یا من جعلت له الملوک نیر المذکّه علی اعناقهم؛ ای کسی كه بزرگی و رفعت را ویژه خود قرار دادی و دوستانش در سایه عزت او عزیزند، ای کسی كه بر گردن پادشاهان، طوق مذکّت افكندی.»

اشاره به علم خدا

«یَعْلَمُ خائنه الاعینِ وما تُخفی الصدورِ وعیب ما تأتي به الازمنه و الدهور...؛ ای كه نگاه پنهانی را و آنچه در سینهها مخفی است و آینده و جریان زمان و دوران را می دانی.»

اشاره به لطف الهی به پیامبران: (حضرت یوسف)

«یا مَقِیضَ الرِّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ وَمُخْرَجَهُ مِنَ الْجُبِّ؛ ای كه کاروان مصر را در صحرا نگه داشتی تا یوسف را از چاه بیرون آورند.»

لطف خدا به حضرت ایوب

«یا کاشف الضّرِّ والبَلوی عَنْ آیوب؛ ای برطرف کننده رنج و بلوی از حضرت ایوب.»

لطف خدا به حضرت ابراهیم

«وَيُمْسِكُ يَدِيْ اِبْرَاهِيْمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ؛ ای بازدارنده دست‌های ابراهیم از ذبح فرزندش پس از آن که او را در سن پیری و سپری شدن عمر دارای اولاد کردی.»

لطف الهی به حضرت زکریا

«يا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَّبَ لَهُ يَحْيٰى وَكَمْ يَدَعُهُ فَرْدًا وَحِيْدًا؛ ای کسی که دعای زکریا را به اجابت رسانیدی و به او فرزندی (بنام) یحیی دادی و او را تنها و بی کس قرار دادی.»

لطف الهی به حضرت یونس

«يا مَنْ اَخْرَجَ يُوْنُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوْتِ؛ ای کسی که یونس را از شکم ماهی بیرون آوردی.»

لطف الهی به حضرت موسی و بنی اسرائیل

«يا مَنْ فَلَكَ الْبَحْرُ لِبَنِيْ اِسْرَائِيْلَ فَاَنْجَاهُمْ؛ ای که دریا را برای بنی اسرائیل و حضرت موسی شکافتی و آنان را نجات دادی.»

اشاره به نعمت باد

«يا مَنْ اَرْسَلَ الرِّياحَ مَبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ؛ ای کسی که بادها را پیام آور و بشارت‌دهنده باران رحمت فرستادی.»

اشاره به لطف حق نسبت به گناهکاران

«يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلٰى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُوْلِ الْجُحُوْدِ و...؛ ای که در مجازات بندگان گناه کارش عجله نمی‌کند. ای کسی که جادوگران را پس از زمان طولانی جحود و عناد نجات دادی.»

بر شمردن نام و صفات خداوند

«یا الله یا الله یا بَدیْ بَدء لَکَ یا دَائِماً لا نَفادَ لَکَ یا حَیّاً حَینَ لا حَیٍّ...؛ ای خدا، ای خدا، ای آفریننده، ای خالقی که مانند نداری؛ ای کسی که همیشه هستی و فنا برای تو نیست، ای زنده ازلی که وقتی تو زنده بودی، هیچ کس نبود.»

بر آورنده نیازها

«یا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِیضاً فَشَفَانِی وَعَرِیْاناً فَکَسَانِی وَجائِعاً فَأَشْبَعْنِی وَ...؛ ای کسی که در حال مریضی خواندم او را و مرا شفا داد و در عریانی او را خواندم، پوشانیدم؛ در گرسنگی خواندمش، سیرم ساخت...»

اشاره به نعمت‌ها و الطاف الهی خویش

«یا مَوْلای اَنْتَ الَّذِی مَنَّتَ، اَنْتَ الَّذِی اَنْعَمْتَ، اَنْتَ الَّذِی اَحْسَنْتَ، اَنْتَ الَّذِی اَجْمَلْتَ...؛ ای خدای من تو آن هستی که بخشودی، تو کسی هستی که نعمت دادی، تو کسی هستی که نیکویی کردی، تو کسی هستی که نیک و زیبا ساختی.»

اعتراف به گناهان

«ثُمَّ اَنَا یا اِلهِی الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِی فَاغْفِرْ لِی اَنَا الَّذِی اَسْتُ اَنَا الَّذِی اَخْطْتُ اَنَا الَّذِی هَمَمْتُ اَنَا الَّذِی جَهَلْتُ اَنَا الَّذِی غَفَلْتُ اَنَا الَّذِی سَهَوْتُ...؛ این من هستم که با اعتراف به گناه خویش پوزش می‌طلبم، بر من ببخش، من هستم که بد کردم، من هستم که خطا کردم، من هستم که در گناه اصرار ورزیدم، من هستم که جهالت کردم، من هستم که غفلت کردم، من هستم که سهو کردم.»

اعتراف به نافرمانی در مقابل اوامر الهی

«الهی امرتني فَعَصَيْتَكَ وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَاعْتَدِرْ...؛ خدایا مرا به نیکی امر کردی پس نافرمانی کردم و از بدی‌ها نهی کردی و من مرتکب شدم، اکنون بهانه‌ای ندارم تا از آن چه از دست رفته معذرت بخواهم».

تسبیح و تهلیل

بیشترین تسبیح و تهلیل در دعای عرفه اینجاست که شروع آن با ذکر یونسیه است: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین لا اله الا انت سبحانک انی کنت من المستغفرین لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الموحدين لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الخائفین...؛ نیست خدایی به جز تو منزّه هستی و من از ظالمان هستم. نسبت به خدایی به جز تو و منزّه و پاکی و من از کسانی هستم که طلب مغفرت می‌کنم، نیست خدایی به جز تو و منزّهی و من از موحدان هستم، نیست خدایی به جز تو و منزّهی و من از ترسیدگان هستم.»

ثنای خداوند

«اللهم هذا ثنائي عليك مُمَجِّدًا وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَإِقْرَارِي بِالْإِثْمِ مُعَدِّدًا...؛ خدا یا این است ثنای من در پیش‌گاه مجد و عظمت تو و اخلاص من در ذکر توحید تو و اقرار من به مقدار محدود از نعمت‌هایت».

در خواست اتمام نعمت

«وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ خدایا نعمتت را بر ما تمام کن و سعادت طاعت را به ما ارزانی فرما. منزّه هستی تو. نیست خدایی به جز تو».

بر طرف کننده سختی‌ها و مشکلات و عطا کننده خیرات

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُعْنِي الْفَقِيرَ
و...؛ خدایا، تو درماندگان را اجابت کنی و بدیها را برطرف می کنی و به فریاد بلا
دیدهها می رسی و مریض را شفا می دهی و فقیر را غنی می بخشی».

درود بر پیامبر و درخواست بهترین عطاها

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْظِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا
مِنْ عِبَادِكَ؛ بر محمد و خاندان او درود فرست و در این شام گاه از بهترین نعمت های
که به بندگان واقعت عطا می کنی به من عطا کن».

گسترش رحمت خداوند

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفِيَ وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ
سُئِلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا...؛ خدایا تو نزدیک ترین کسی هستی که از او
چیزی می خواهند و سریع ترین هستی در اجابت و کریم ترین از جهت گذشت و از هر
بخشنده ای و از هر بخشنده ای گسترده تر و از هر پذیرنده ای شنواتر، ای بخشایشگر و
مهربان دنیا و آخرت.»

گسترش علم و قدرت و رأفت خدا

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ وَقَدَرَ فَقْهَرَ وَعُصِيَ فَسْتَرَوْ... وَوَسِعَ الْمُسْتَقْلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا؛
خدایاندا! ای کسی که فرمان روا و توانا و قادر و قاهر هستی، پرده پوش گناه بندگان... و
رأفت و مهربانی و بردباریت همه را فرا گرفته است.»

توسل به پیامبر نزد خدا

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ...؛ خدایا در این شام گاه به سوی تو رو آوردیم، شامگاهی که آن را شرافت و عظمت بخشیدی به وسیله محمد (ص) پیامبرت و رسولت و بهترین از خلایقت».

دعای رستگاری

«اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُخْجِنٍ مُفْلِحِينَ...؛ خدایا ما را در این وقت پیروز و رستگار فرما و...».

دعا برای قبولی حج

«إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَكِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آتِينَ قاصِدِينَ فَأَعِنَّا عَلَى مَناسِكَنا وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنا...؛ خدایا از روی اخلاص به تو روی آورده ایم و به سوی خانه ات آمدیم پس ما را برانجام مناسک حجهان یاری کن و حج ما را کامل گردان.»

در خواست های شب عید

«اللَّهُمَّ فَأَعِظْنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَأَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ... وَأَعْنِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي؛ خدایا آنچه در این شام گاه از تو خواسته ایم به ما عطا فرما و آنچه انجامش را از تو خواسته ایم کفایت فرما...» «وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَأَدْرِ أَعْنِي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ؛ مرا از آتش رهایی بخش و با من مکر مکن و مرا غیر شاکر قرار مده و رسوا مکن و از من شر فاسقان از جن و انس را دور کن...».

پایان دعا

در آخرین جمله بالا، امام حسین با چشمانی پر از اشک رو به آسمان کرد و با صدای بلند این چنین به دعای خود پایان داد: «یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین... یارب یارب یارب». این بود چکیده‌ای از دعای عارفانه حضرت سیدالشهدا (ع) در روز عرفه که در آن دنیایی از معارف است که ده‌ها کتاب درباره آن به رشته تحریر درمی‌آید در آن هم شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت خاتم الانبیا محمد (ص) و اعتقاد به روز قیامت، به چشم می‌خورد. آنچه از حمد و ستایش پروردگار را لایق است از زبان عارف‌ترین اهل زمان است که سرانجام در پای دین حق، دست از جان شست و سرای باقی را بر ماندن و زندگی با ستمگران ترجیح داد. در این دعا قدرت لایزال الهی را در چندجا بیان می‌دارد و هم‌چنین علم خداوند به «ما کان و ما یکون و ما هو کائن و خائنه الاعین و ما تخفی الصدور» و مراتب نعمت‌های الهی؛ نعمت‌های ظاهری که انسان از آن استفاده می‌کند و نعمت‌هایی که در قالب این بدن، خداوند ارزانی داشته، از چشم و گوش و حتی چین‌های روی پیشانی که خداوند از روی حکمت به بشر داده و جمال و زیبایی که خدا به بشر داده و احسان و انعامی که کرده است. هم‌چنین الطاف خداوندی درباره چند تن از پیامبران بزرگوارش را همچون حضرت یوسف (ع) و حضرت یونس (ع) و حضرت ایوب (ع) و حضرت زکریا (ع) و حضرت ابراهیم (ع) و آن لطفی که به بنی اسرائیل مرحمت نموده و آنان را از فرعونیان نجات بخشیده، یاد می‌کند. در این دعا مراحل ثنای الهی و حمد و ستایش او را به طور وافر می‌یابیم. این دعا هم درس دعا کردن را به ما می‌دهد و هم این که ما باید دنبال چه جریانی باشیم و از چه چیزهایی متنفر باشیم و دوری کنیم، به علاوه آن که در چند جای دعا، دعای مقبوله حضرت حق که همان صلوات بر پیامبر و خاندان او بوده، تکرار می‌شود و هم‌چنین مقام و شأن نبی اکرم را گوشزد می‌کند که دعای همراه با صلوات بر پیامبر، حتماً به اجابت خواهد رسید. امیدوارم خدای متعال در همه امور و هم‌چنین در دعا کردن ما را پیرو اهل بیت (ع) قرار دهد.